



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۱۲

سید هاشم سدید

جناب ف. هیرمند گرامی،

بعد از عرض ارادت و سلام برادرانه حسب دستور زمان و اقتضای عرف و آداب و ادب خود را مکلف می دانم بدینوسیله از محبت و خلوص نیت مصفی و بی آمیغ شما نویسنده توانا و اندیشمند محترم و عزیز قلباً ابراز شکران و امتنان کنم؛ بخاصه برای فراهم ساختن زمان مناسب غرض ابراز نظر و اظهار یکی از دیرینه ترین خواسته های خود در باره جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم، شخصیت محترم و چند بُعدی ای که نزد نگارنده "به نهایت درجه" ارجمند و محترم هستند .

در باره جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم تنها همین قدر می توانم بگویم که این انسان والا و متفحص "دانشگاهی" منبع بزرگی از فیض و برکت و ارمغانی بی همتایی هستند که خداوند متعال در زمان ما به ما اعطا نموده است. خورشید تابانی که با مهربانی و بدون تبعیض و بخل و تنگ نظری و تبختر و تکبر و انتظار، بر همه ما یکسان و یک برابر می تابند؛ اگر از سایه دیوار خشک اندیشی، خودبینی و فخر فروشی برخاسته و خود را در معرض گرمی نوازشگر آن قرار بدهیم .

پیداست که این سخن در قدم اول، سخنی من نیست، بلکه سخنی است برخاسته از هر کلامی که ایشان بر زبان آورده اند و هر ورقی که تا کنون نوشته اند .

اگر این نوشته ها بی غرضانه خوانده شوند، هر یک آشکارا، صادقانه، با آوای بلند و موزون و نوادار آنچه را من نوشته ام از سر و از سر، مکرری در مکرر تایید و بیان خواهد کرد، به مصداق این فرموده شاذ و لطیف که "مشک آن است که خود بوید، نه آنکه عطر گوید" .

آره، از هیبت و چمیدن زبان و کلام، می توان به سادگی به شوکت و مقام گوینده کلام پی برد !
خُب، بدون شبهه انسانهای زیادی در میان نویسندگان، اندیشمندان و دانشمندان در جامعه ما، بویژه در میان فرهیختگان نبیل بیرون از کشور وجود دارند، که به حق و به سزا، سزاوار تحسین و احترام اند، اما با امعان به شخصیت "چند بُعدی" و ویژگی های جناب داکتر صاحب، که همه از لا به لای نوشته های ایشان با جلوه و درخشندگی خاصی نمایان هستند و با قوت تمام انسان را به سوی خود می کشند، من یکی، به نوبه و در جای خود، ناگزیرم بر این اصل و نکته درنگ کنم که ایشان از هر نقطه نظر و از همه بیشتر این حق را بر من که یگانه دلبستگی من فرهنگ و ادب است و هم با انسان های با فرهنگ و پیراسته و پاکیزه خو خویشاوندی احساسی و عاطفی و فکری عمیق دارم، به احترام و تحسین شان بپردازم .

با این همه کار های ارزشمندی که ایشان می کنند و زحماتی که برای روشنگری و خدمت به مردم و کشور می کشند، و شخصیت شخیصی که دارند، هر قدر در باره عظمت روح و زحمات ایشان گفته شود، یقیناً ناکافی خواهد بود، ولی نگارنده را یقین بر این است که ادای این دین، حتا اگر به قدر یک حرف هم باشد، تکلیفی است که ما در برابر ایشان به گردن داریم !

ایشان گذشته از کارهای فرهنگی، از نظر اینکه یک انسان شخیص، محتشم، مودب و نکته سنج و با احساس هستند، انسانی هستند که ارزش والای قلم را خوب می دانند هم قابل تعظیم و تکریم هستند .

احساس وی نسبت به مردم و کشور پالوده و بی ریاست، و عاری از تعلق به زبان و مذهب و زادگاه و سمت و نام و خانواده و قبیله و قوم و ...

می نویسند، و از شرافت قلم و شرافت اهل قلمی که به فکر حرمت و شرافت قلم هستند پاسداری می نمایند .
با احساس و دریافتی که تجزیه و تقسیم نشده است، بلکه منحیث یک کلیت جامع و تمام، همه را بدون بوی و روی و خوی و رنگ و نام و زبان و دین و آیین محترم می شمارند. و با این پیام به همه مردم، که راه دست یافتن به سعادت

د پاپو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

و فضیلت و سرافرازی تنها در عمل خیر و کار نیک و پندار مستحسن و ستوده است و آرام ساختن کشور وظیفه ایمانی - وجدانی همه ما .

با این نیت، طوری که از متن هر نوشته شان، که منعکس کننده مافی الضمیر ایشان هستند بر می آید، صرف نظر از اینکه در باره چه و کدام موردی سخن می گویند، و می نویسند، قصد ایشان از همه اولتر بیان حقیقت و دادن آگاهی به مردم و بیدار ساختن آن ها از خواب عمیق چندین هزار ساله است، که بدون دغدغه و اضطراب، مثلی که هیچ اتفاقی در این کشور رخ نداده باشد، کماکان به زندگی یک نواخت خود ادامه می دهند... مردمی که در بی خبری کامل از خود و دیگران غرق اند و به تبع آن اسیر پنجه های خونین غریت و نکبت و تفرقه و جنگ . مردمی که متاسفانه نه به درک نیات نیک و ستوده نیک خواهان پی می برند، و نه به شناخت بدخواهان شارلاتان و بازرگانان خون و نام و ننگ خویش .

خواست ایشان این است که همین انسانها را از بی خبری درآورند؛ خلاف چند تایی که همیشه می کوشند مردم را مصروف جنگ و دعوا و دنگله و بگو و مگو نگه دارند و از این راه به ترویج مزید جهالت و مانع رشد و بالندگی بینش و اندیشه آنها شوند !

محبوب است، چون نه با خرد ناسازگار بوده و می ستیزند و نه دشمن دانش و علم و آگاهی و روشنگری و حقیقت هستند. و چون با کارهای پژوهشی و سازنده خویش امروز به سرمایه اجتماعی مسلم کشور تبدیل شده اند ! آرام، بدون هیاهو و داد و بیداد و دعوا و پُز دادن مصروف کار خود هستند ...

با استعدادی شگفتی که در نویسندگی دارند می نویسند و همه دانش خود را در خدمت مردم بکار می گیرند، بدون اینکه ماه ها و سال ها پشت یک سخن را بگیرند و هر کسی را به نام و برنام و کنیه ای بخوانند! نه کسی را تحقیر می کنند و نه کسی را به مبارزه می طلبند .

ذهن متمرکز دارند. باپرنسیپ هستند. همراه با مسئولیت می نویسند. مسئولیت حرف می زنند. ذهن وقاد و ضمیر روشن دارند. دمکرات و آزاده هستند. از دیگران، حتا از مخالفین سیاسی خویش بااحترام یاد می کنند. انرژی و افکار مثبت دارند. زبا فصیح و پخته دارند و خیلی از ویژگی های خوب دیگر .

بدون شبهه گاهی هم ناگزیر به گفتن سخنی با گوییا منتقدین خویش می شوند - مانند هر انسانی دیگر - ولی از بحث زیاد با افرادی که تنها بحث کردن را دوست دارند و به هیچ وجه استدلال و سخن روشن و محق را نمی پذیرند و عاشق خود و نظریات و سخنان خویش هستند (مانند هاشمیان فقید که یکی از نویسندگان مارکسیست ایرانی پورتال وزین "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را افغان می پنداشتند و هر قدر به او گفته می شد که ایشان افغان نیستند، قبول نمی کرد و باز هم همان سخن خویش را تکرار می کردند.) یا قصد و نیت فهمیدن موضوع مناظره را ندارند، همیشه پرهیز می کنند و ...

ویژگیهای یاد شده، با جمعی از ویژگی های دیگر، همه وجوه نیکی هستند که باید یادآوری شوند . می نویسند؛ نه به دلیل بیرون ریختن عقده ها، مانند انسان های عقده ای و بیمار، بلکه به دلیل مسئولیتی که منحنیت یک افغان واقعی در برابر کشور احساس می کنند و علاقه ای که بنام یک افغان دلسوز، یک انسان با درد، یک پژوهشگر واقعی و بیطرف، یک نویسنده مجرب و توانا و بالاخره یک شخصیت علمی به مردم دارند؛ علاقه ای آمیخته از عشق و مسئولیت !

می نویسند بدون اینکه از خود و خودی ها زکری بر زبان بیاورند و به خود فکر کنند. و می نویسند و می گویند به مردم، که همه آغوش های تان را بروی هم باز کنید و بخاطر وطن از ستیز و دشمنی با هم دست بردارید. چیزی را که به مثابه یگانه دارو جهت علاج همه بیماری های مهلک و چندین صد ساله ما می باید گفت و تجویز کرد .

ایشان، همیشه با اختیار کردن موضع بینابین، حسب آنچه یکی انجام داده، خوب یا بد، موردی به مسائل نگاه کرده و آن ها را اگر نتیجه ای متصور باشد، ارزیابی و بیان می کنند .

جایی که توصیه کار باشد، نفر را دیده، توصیه می کنند و جایی که نکوهش بکار باشد زبان دوستانه و ملایم و کلام شایسته و مهذب، بدون تند و تیزی و غلو و افراط و اغراق و ابراز این مطلب که حق همین و همان است که من گفته و می گویم و نه چیز دیگری، نکوهش می کنند و اگر ستایش بکار باشد، در حد لازم، نه کم و نه بیش، به ابراز آنچه می باید گفت می پردازند .

با نیت نیک در فکر ساختن جامعه نوینی هستند که تفرقه و من و تو و او و آنها و ما در آن وجود نداشته باشد و کسی به کسی نگوید: "تو کی هستی؟ از کجا آمده ای؟چطور جرئت کرده ای این یا آن سخن را بر زبان بیاوردی؟ با کدام حق؟ یا ... برو به جایی که از آنجا آمده ای!"

جامعه ای که هرکسی نتواند خط مشی فکری و پیش فرضهای درست و نادرست خود را با اجحاف و تحکم بر دیگران تحمیل کند.

جامعه ای که زمام امور و کنترل آن به دست اکثریت مردمی ست که از راه تشکل های سیاسی، انتخابات آزاد و دموکراتیک و خانه ملت، که متشکل از افرادی مربوط به هر قومی است، مطابق منطق حکومت مردم برای مردم و توسط مردم و اعلامیه جهانی حقوق بشر و با امان به قوانین موضوعه کشور برای یک، دو و یا سه دوره معین به قدرت می رسند... یک جامعه واقعی، نه یک جامعه نمایشی؛ یعنی جامعه ای که به طور داوطلبانه و رضایت عام و تام همه، و بر مبنای تساوی حقوق تک تک افراد ملت به وجود آمده باشد؛ مانند جایکه، اگر یک سیاه پوست دورگه، که تنها خود و پدرش تابعیت آمریکا را داشتند (یک ایرانی تباری نبیره یک شترچران) قصد کند، بتواند رئیس جمهور کشور شود. یا یک هندی به نام داشتن حق شهروندی انگلستان، نخست وزیر آن کشور شود و یک پاکستانی شهردار لندن، باوجود اینکه شاید قرنی از بود و باش اینها و پدران شان در این کشورها نگذشته باشد !!!

از شما محترم، جناب هیرمند صاحب هم، که با نوشته های آموزنده و بدیع و ناب و زحمات زیاد و قابل قدر تان در عرصه رسانه ای و عمومی غرض روشن ساختن همواره اذهان ما ها فعال هستید، امتنان. قلم سحر و افکار رسا، فروزان و طاهر تان چنانکه بود و چنانکه هست توفنده باد!

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ